

هر آینه تحولات سیاسی واجتماعی در قالب انقلاب‌ها و جنبش‌های دینی عمیق باشد، دگرگونی‌های ژرفی نیز در ادبیات و بویژه شعر به وجود می‌آورد. ادبیات با اجتماع بویژه از دیدگاه تعهد و مسؤولیت‌پذیری پیوندی طبیعی دارد. هیچ جامعه‌ای در گذر اعصار و دوره‌ها، مردمانش را بدون رنج و بی‌رحمت به عصر دیگر منتقل نکرده است. «درد» مشترک‌ترین واژه برای همه بشریت است؛ از آدم نخستین تا فرزندانش در هزاره چندمین و مگر می‌شود شاعری متعهد که در میان آدم‌ها زندگی می‌کند، بی‌تفاوت از کنار همه این دردها و اتفاقات بگذرد؟ به قول یک ادیب فرانسوی: «و برای شاعر همین بس که وجدان ناآرام عصر خویش باشد.» در شعرهای آیینی و ادبیات حوزوه انقلاب اسلامی، اما فراتر از یک «وجدان ناآرام»، شاعران معاصر انقلاب خود به عنوان کنشگران فضای سیاسی و اجتماعی وارد عمل شده‌اند. این موضوع و شناخت حق و باطل همواره در تاکیدات رهبر معظم انقلاب به شاعران، وجود داشته است. ایشان در دیدار ماه مبارک رمضان سال جاری با شاعران، می‌گویند: «این را در این جلسه و در خیلی از جلسات دیگر گفت‌هایم، بی‌طرفی در دعوی حق و باطل معنی ندارد. یک وقت دعوی مشتبهی است، آن بحث دیگری است، وقتی که حقی هستس و باطلی، اینجا بی‌طرفی معنا ندارد؛ باید طرف حق بود، مقابل باطل ایستاد؛ حالا یکی می‌تواند به شکل نظامی بایستد، یکی به شکل سیاسی بایستد؛ به اشکال مختلف می‌شود ایستاد، یک نفر هم با زبان، با بیان، با اندیشه می‌تواند بایستد؛ باید ایستاد.

شاعر نمی‌تواند در جنگ حق و باطل بی‌طرف باشد. اگر چنانچه شاعر، هنرمند بی‌طرف بود، تضییع نعمت خدا را کرده؛ اگر خدای نکرده طرف باطل را گرفت، آن‌وقت خیانت کرده، جنایت کرده؛ بحث اهمال دیگر نیست، بحث جنایت است. خوب، شما ملتنان مظلومیت‌های زیادی در این سال‌های متمادی داشته‌، این مظلومیت‌ها گفتن دارد، این برای دنیا منعکس شدن دارد.» شاعران ایران زمین نیز البته نشان داده‌اند که هیچ‌گاه «پز بی‌طرفی» را به «تعهد دینی و عقیدتی» ترجیح نداده‌اند و همواره در جدال همیشگی حق و باطل، از سر تکلیف وارد شده‌اند. نه چون روشنفکران زُست دیپلماتیک را در رهبر پیش گرفته‌اند و نه در

چاله افراط افتاده‌اند. شاعران جوان و البته نامی کشور در کمتر حادثه‌ای هست که میاندار نبوده باشند. آنها شعر را از مد نینداخته‌اند و هنوز از تأثیر آن سخن می‌گویند. محمد غفاری یکی از شاعران جوان دربار حضور جریان متعهد در شعر می‌گوید: شعر نمی‌تواند نسبت به وقایعی که دور و برش رخ می‌دهد، بی‌تفاوت باشد. شعر باید به یک‌سری موارد تعهد داشته باشد. هر شعری حتی شعرهایی که آزاد هستند و می‌خواهند رفتار سکولاری داشته باشند، باز هم به یک چیزی متعهد هستند. حالا شاعری که در ایران است و درد دین و کشورش را دارد، طبیعی است که با ایجاد مشکل و اتفاقی در کشورش به این موضوع واکنش نشان می‌دهد و دردش تبدیل به شعر می‌شود. ظهور و بروزش آن شعری می‌شود که در کاغذ نوشته شده است. وقتی شاعری می‌پیند که در کشورهای اطراف چه رخ می‌دهد، اگر واقعا شاعر باشد، به این موضوعات واکنش نشان می‌دهد. اگر شاعر دغدغه داشته باشد، خودش به طرف حق کشیده می‌شود.

محمدمهدی سیار شاعر ترانه‌های انقلابی که بیشتر او را با ترانه «مرگ بر آمریکا» می‌شناسند، در این باره معتقد است: بیان صریح هیچ منافاتی با ماندگاری شعر ندارد. بلکه اگر رخدادهای روز با یک دید عمیق شاعرانه نگرینسته شوند و به شعر درآیند همان رخداد منجر به ماندگاری شعر می‌شود. همان‌طور که شعر هم منجر به ماندگاری آن اتفاق خاص می‌تواند باشد. البته وقتی که وهبری به شعر ظلم‌ستیزانه تأکید می‌کنند را باید جدای از شعربازی‌های فضای مجازی دانست که درباره هر اتفاقی ابیاتی سروده می‌شود که سریع از بین می‌رود. بلکه اگر دید شاعرانه و عمیقی پشت سر اشعار مناسبتی وجود نداشته باشد به سرعت آن شعر از بین خواهد رفت. اشعار ظلم‌ستیزانه و واکنش صریح شعرا باید شعر فاخر و ماندگار باشد.

علی محمد مودب رئیس موسسه شهرستان ادب که فعالیت‌های فراوانی در حوزه جذب و تقویت شاعران جوان صورت داده، معتقد است: جریان وجود دارد که به سمت شعر بی‌موضع حرکت می‌کند؛ شعری که کاری به حوادث نداشته و حرفی به کسی نمی‌زند. وقت آن رسیده بود که به این جریان شعر جوانی داده شود. شاعر اصلا در نسبتب به زمانه‌اش تعریف می‌شود. درست است که این تنوع شعرا که چندان ارتباطی با زمانه‌شان نیز نداشته و سرگرم مهندسی الفاظ و مضامین هستند دارای جذابیت بوده و به تعبیری وجود این جریان شعری نیز خوب است، ولی شعر پیشرو شعری است که با زمانه خود و انسان زمان خودش درگیر شده و حرف و موضعی برای آن داشته باشد. شعری که دارای موضع است ممکن است در طول مسیر خود از نظر فنی افت‌هایی داشته باشد، ولی اگر عمر یک شاعر را بررسی کنیم منوجه می‌شویم شاعری که ۲۰ یا ۴۰ سال شعر گفته است، اگر نسبت جدی‌ای با حوادث واقعه زمان خود داشته باشد، شاعر زمانه و پیشرو خواهد بود.

مطالعه‌ای کوتاه از جریان رو به رشد شعر آیینی در کشور نشان می‌دهد از ویژگی‌های خاص ادبیات انقلاب محدود نشدن آن به پدیده انقلاب است. پویایی ادبیات و شعر انقلاب این است که در هر واقعه‌ای رسالت خویش را انجام دهد و به نوعی با واکنش‌های سریع که البته از فخر نیز نمی‌کاهد، بتواند به عنوان یک روابط عمومی انقلاب اسلامی مردم و افکار عمومی را جذب کند. شعر انقلاب، شعری است متعهد، از مردم و برای مردم و برای بیان مسائل آنان. این ادبیات تفننی

و خالی از تعهد و تکلیف نیست. عمل به تعهد و تکلیف، نمودهای فراوانی در شعر فارسی داشته است. با مروری بر وقایع و اتفاقات سال جاری صرفا، می‌توان حضور جریان شعر انقلاب در در میانه میدان و نظرگاه مخاطبان از عموم جامعه به وضوح دید.
۱- شهدای غواص
به عنوان مثال حضور جریان شعر کشور در پدیده شهدای غواص را می‌توان اثر گذار و مایه تعمیق اندیشه‌های مقاومت و تهییج احساسات و افکار عمومی دانست. اشعاری که برخی از آنان را می‌توان آغازگر یک دوره شعری تلقی کرد در جریان شهدای غواص سروده شد.

بچه‌های «تنگ چذابه»
«خط شیر»
بچه‌های گریه‌های نیمه شب در رود «بهمنشیر»
بچه‌های بی‌ریای «هور»
بچه‌های غرب غربت
در شب «پاوه»
بچه‌های گریه در «جشن حنابندان»
بچه‌های «آه مادر، کاش وقت نامه خواندن بود!»
بچه‌های «همسرم بدرود!»
بچه‌های «کاش بودی، کاش می‌دیدي…»
بچه‌های «تاقیامت بر نمی‌گردیم…»
انتهای جاده ایثار
بچه‌های «کربلای چار»
این زمان، اما
زخم‌ها جانی بگیرد کاش
کاش طوفانی بگیرد
کاش…»(بخشی از شعر علیرضا قزوه)

یا
نصف تاریخ عاشقی «آب» است، قصه‌هایی عمیق و پرحساس
قصه‌هایی پر از فداکاری، قصه‌هایی عجیب، اما خاص:
قصه آب چشمه زمزم، زیر پاکوبه‌های اسماعیل
قصه نیل و حضرت موسی، قصه آن گذشتنِ حسلس

قصه حظِّ حضرت یونس، توی بطن نهنگ، در دریا نمی‌زند.
وقت آن رسیده بود که به این جریان شعر جوانی داده شود. شاعر اصلا در نسبتب به زمانه‌اش تعریف می‌شود. درست است که این تنوع شعرا که چندان ارتباطی با زمانه‌شان نیز نداشته و سرگرم مهندسی الفاظ و مضامین هستند دارای جذابیت بوده و به تعبیری وجود این جریان شعری نیز خوب است، ولی شعر پیشرو شعری است که با زمانه خود و انسان زمان خودش درگیر شده و حرف و موضعی برای آن داشته باشد. شعری که دارای موضع است ممکن است در طول مسیر خود از نظر فنی افت‌هایی داشته باشد، ولی اگر عمر یک شاعر را بررسی کنیم منوجه می‌شویم شاعری که ۲۰ یا ۴۰ سال شعر گفته است، اگر نسبت جدی‌ای با حوادث واقعه زمان خود داشته باشد، شاعر زمانه و پیشرو خواهد بود.

مطالعه‌ای کوتاه از جریان رو به رشد شعر آیینی در کشور نشان می‌دهد از ویژگی‌های خاص ادبیات انقلاب محدود نشدن آن به پدیده انقلاب است. پویایی ادبیات و شعر انقلاب این است که در هر واقعه‌ای رسالت خویش را انجام دهد و به نوعی با واکنش‌های سریع که البته از فخر نیز نمی‌کاهد، بتواند به عنوان یک روابط عمومی انقلاب اسلامی مردم و افکار عمومی را جذب کند. شعر انقلاب، شعری است متعهد، از مردم و برای مردم و برای بیان مسائل آنان. این ادبیات تفننی



واکنش‌های سریع به حوادث منطقه و جهان با شعرهای فاخر

شاعران بی‌طرف نبودند

- محمدرضا کردلو

از آمریکا به عنوان دشمن اصلی مردم ایران و استکبار یاد کرده و شعرهای فراوانی را با این مضمون سروده‌اند. علیرضا قزوه به عنوان یک شاعر به بیان عبرت هم می‌پردازد. او در یکی از شب‌های شعر آیینی تأکید می‌کند: اگر فکر کنیم راه شهدا تمام شده است و دیگر نیازی به این اسطوره‌ها نداریم کار اشتباهی است. تاریخ این موضوع را نشان داده و مقابل چشمان ما، مصداق‌های زیادی وجود دارد مثلا دیدیم با وجودی که آقای محمد مُرسی و وزیر خارجه‌اش با سفیر آمریکا قهوه می‌خوردند اما بعد چه بر سر آنان آمد؟ آمریکایی قابل اعتماد نیستند. قزوه شعری حتی درباره این مساله می‌سرایند:

اراک و فردو و باران را با هم
برادران معمرالقذافی!
و بار کشتی‌تان کنید
قبر شهید شهرپاری را…
و بار کشتی‌تان کنید
پاهای قطع شده را…
و بار کشتی‌تان کنید
شعر را و انقلاب خمینی را؟
و بار کشتی‌تان کنید
دل‌ولپسان زخم خورده این انقلاب را
و پر کنید انبارهاتان را
از پس‌مانده‌های بی‌خیالی و بشکن بشکن
و یادتان باشد
اینها صحنه دارند
و قهوه‌های فرانسوی ژنو
شکلات‌های انگلیسی لوزان
قیمت نان سنگک را پایین نمی‌کشند
دارد چرخ مردم ما می‌چرخد
دارد چرخ‌های پورشه‌ها می‌چرخند
در سال صحنه‌زانی و همدلی!
سکوت‌نمی‌کنم
در برابر این همه تر کمان چای
این همه تر کمان قهوه و سنکافه
میلاد عرفانپور هم که به رباعی‌های بی‌نظیر شهره است، غزلی درباره بی‌اعتمادی به غرب می‌سراید:

گفتند و شنیدند بز تدبیر و امیدی
در سایه تهدید، چرا گفت و شنیدی؟
رفتند شبانگاه به مهمانی دزدان
آن‌تکه در این خاله نجسندن کلیدی
با گردن کج، تا به کی اینگونه نشستن؟
تا پول سیاهی بدهد کاخ سفیدی
افسوس بر این سال که سازش شده سینش
قرآن ز تن میان نیست! عجب سفره عیدی
باران فراوانی از این ابر، نبارد
جز آنکه دل خلق بسوزد به اسیدی
در کرب و بلا، بی‌طرفان، بی‌شرفان‌اند
تاریخ همان است، حسینی و یزیدی
هرگز ندهد تن به نظر بازی دشمن
خاکي که درآمیخته با خون شهیدی
ما آینه‌هاییم، شکستن هنر ماست
با مست برآینه شهیدان جدیدی

۳-مدافعان حرم

دفاع از حرم و تقویت روحیه مقاومت در میان مجاهدان دفاع از امنیت ملی نیز در میان واکنش‌های ادبی و توجه شاعران زبانزد است. تأکید بر دفاع از حرم، وجه مشترک و اصلی انگیزه حاضران در صحنه نبرد و مجاهدت در سوریه و عراق است. به نحوی که بازنمایی این حضور در ادبیات عامه و اشعار آیینی این‌طور تصویر

می‌شود:

ما را ز خاندان کرم آفریده‌اند
یک موج از تلاطم بیم آفریده‌اند
ما را فداپیان پسرهای فاطمه
ما را شهید میر و علم آفریده‌اند
ما را به اعتبار عنایات فاطمه
گریه‌کنان حضرت غم آفریده‌اند
دجال‌ها و حرمله‌ها را مهاجم و…

… ما را «مدافعان حرم» آفریده‌اند
یا در سروده‌ای دیگر:
یا یاد دمشق غرق غم می‌باشم
در بین همین نوحه و دم می‌باشم
با پرچم سرخ یا ابا عبدالله
سرباز «مدافع حرم» می‌باشم
و
رفتم که شمع ظلمت شب باشیم
آغوش گشودیم که در تب باشیم
گفتید «مدافع حرم»، اما ما
رفتم که در حصار زینب باشیم
و…

۴- فاجعه منا

فاجعه تلخ منا یکی دیگر از وقایعی بود که شاعران را به واکنش واداشت. بسنجاری از اهالی ادب با آثاری در قالب‌های مختلف، درباره این موضوع واکنش نشان دادند. شاعران انقلابی مانند همیشه در واکنشی سریع با سرایش اشعاری بی‌کفایتی و بی‌لیاقتی آل‌سعود را محکوم و با خانواده داغ‌دیدگان ابرز همدردی کرده‌اند.

بگذار و بگذر این همه گفت و شنود را
کی می‌کنیم ریشه آل‌سعود را
یارب! به حق ناقه صالح عذاب کن
نسل به جای مانده قوم ثمود را
افتاده دست ابرهه‌ها خانه خدا
سجیل کو که سر شکند این جنود را
چیزی به غیر وهن ندارد نمازشان
باید شکست بر سر آنها عمود را
ای واجبالوجود ز لوث وجودشان
کی پاک می‌کنی همه مُلک وجود را
انکار می‌کنند هر آنچه که بوده را
اصرار می‌کنند هر آنچه نبود را
جده،بمن، مدینه، غدیر، از قدیم‌ها
این قوم می‌خرند تمام شهود را
در آن زمین که نام علی گل نمی‌کند
کو وارث کسی که در قلعه کنده است
تا بشکند دوباره غرور یهود را
اسفند روز آمدنش کور می‌کند
یک صبح جمعه چشم بخیل و حسود را…

(عطیه‌سادات حجتی)

در غزل دیگری می‌خوانیم:
از منا ای آوردن اخبار داغ دور را
نوحه‌خوان کو تا بخواند «سعیمک مشکور» را؟!
جامه احرام پوشیدند، اما شد کفن
مرگ در هم کرده اینجا خاک را کافور را
سرزمین وحی در دستان کفر است، ای دریغ
در سیاهی‌ها فرو بردند کوه نور را
شعله این خشم را دشنام هم بی‌فایده است
پس چه باید کرد آل اینقدر منفور را؟
چاره‌ای جز مشورت باقیضه شمشیر نیست
چون نمی‌داند طرف غیر از زبان زور را
هم‌تراز بشکه نفت است، لطف‌اقر کن

بلند شو…
نفست گرم…
شیخ ابراهیم…
بگو علی که جز این راه هیچ راهی نیست
ولی‌الله کلامی زنجانی که از شاعران و مداحان اهل بیت(ع) است نیز شعری برای شیخ ابراهیم زکزاکی سرود:

از شهادت پیشتگان، تکریم‌ها دارد حسین
جان‌نثار عشق، در اقلیم‌ها دارد حسین
چار اسماعیل داده، خود همی در نوبت است
مرد میدان، شیخ ابراهیم‌ها دارد حسین…

۷- شهادت آیت‌الله نمر

در روزهای اخیر اما، شهادت آیت الله نمر، روحانی برجسته بیستان، به مساله اصلی شاعران بدل شد و شعر آنان را تحت تاثیر خود قرار داد. شعرهایی زیبا که به جرات می‌توان برخی از آنان را به‌عنوان شعر دهه یا چندسال گذشته معرفی و از آنها تمجید کرد.

سوگند که بعد شب سحر خواهد شد
این کشته یقین که زنده‌تر خواهد شد
چون آینه‌ای که هدف سنگ شود
جمعیت شیعه بیشتر خواهد شد (ابوالفضل محمدی)
شاعران البته به سکوت مجامع بشری هم واکنش نشان داده‌اند:

با این همه جنایت بی‌وقفه، همچنان
دنیا سکوت کرده ولی انگ بر جهان!
اینجا کمر به قتل گل سرخ بسته‌اند
با هرچه شده، به هر روشی، سخت و ناگهان
آنقدر پشت هم، همه خون گریه کرده‌ایم
بر غربت همیشگی شیعه، بی‌امان
حالا که آسمان نرسیده ست تا زمین،
می‌ترسم این زمین برود سمت آسمان!
ما یا دل شکسته خود، داد می‌زنیم:
عَجَلِ علی ظُهورِک یا صاحبِ الزمان!
پنهان نمی‌شود دگر از چشم هیچ‌کس
در پشت‌پرده، سایه شوم یهودیان
این مشت‌های ما همه از غم، گره شده ست
آل‌سعود! گوش کن! این خط و این نشان:
رهر اگر اشاره کند، محو می‌شوی! (نقیسه سادات موسوی)

و نیز علی‌اکبر لطیفیان در ۲ رباعی سروده است:
دینی که قیام را ندارد دین نیست
در مکتب ما حرف بین، بنشین نیست
با سر علم فاطمه را بالا برد
از «شیخ نمر» توقعی جز این نیست
*

عربستان دچار خواهد شد
بعد از این تاز و مار خواهد شد
این دم ریخته به روی زمین
یک دم دولفقار خواهد شد
البته بازتاب شهادت آیت‌الله نمر در آینه شعر فارسی، مانند همه اتفاقات یکسال اخیر که در این گزارش به آنها اشاره شد، صرفا به این اشعار خلاصه نمی‌شود و بسیار بیشتر از اینهاست. یکی از شعرهایی که طی روزهای اخیر بشدت مورد تحسین قرار گرفته است، شعری است که احمدبابایی برای واقعه شهادت آیت‌الله نمر سروده است. کامل این شعر را در زیر می‌خوانیم:

تر شد از موج خبر، چشم همه، ساحل‌ها
حسب هر گز نشود کشتی خون، در گل‌ها
سره‌بدراند در این قافله، در یادل‌ها!
ناله را وقت، فراخ است، به خود برگردیم
باز تنهاست «محمد»، به آحد برگردیم

گر به ندان سعودی، جگر آید، بهتر
بالش نیزه اگر زر سر آید، بهتر
رجز از سینه صدچاک بر آید، بهتر!
دلر بر دوش، کشد پشت سرش حیرت را
معنی تازه دهد شیخ نمر، غیرت را

آه ای شیخ! زمان را سپسی داده خدا
از شهادت، به تو تازه نفسی داده خدا
مرگ نمرود به دست مگسی داده خدا!
شقق قتل تو گوید ز شب صد‌ها ایل
می‌چکد خون تو از کنج لب اسرائیل

رعد و برقیم و جنون‌باور و مرگ‌گاهیم
امت واحده و قوم شهادت خواهیم
سنی و شیعه، نمک‌خورده روح‌اللهم
سره‌بدرای، نمک سفره بیداری شد
خون زهراست که در رگ ما جاری شد

خون مظلوم، «گواه» است، شهادت این است
حج ما بر سر نیزه ست، عبادت این است
بکشید امت حق را که سعادت این است
خاک پای شهدا، تاج شرف خواهد شد
برکت خون «نمر»، مکه، نجف خواهد شد

به جرم عشق، به جرم محبت مولا
تورا درست گرفتند، اشتباهی نیست
از قطفیف، آه کشد، تا به یمن راه کشد
یوسف فاطمه، بیرون ز دل چاه کشد
سنی و شیعه کند آنچه دل احمد خواست
«امت واحده از شرق به پا خواهد خاست»

از یمن تا به منا، خاک سیاهید شما
انتقام، آتش غیرت شده، «کاهید»، شما
«کدخدا»، جاهلکن است و ته چاهید شما
سنی و شیعه، به تکفیر، حریفیم همه
از یمن تا به دمشق، اهل قطفیم همه